

# علائم دورۀ آخر الزمان

اثر : مرحوم حجة الاسلام والمسلمين  
حاج شيخ محمد جواد خراساني



# علائم دورہ آخر الزمان

اثر: مرحوم حجة الاسلام والمسلمين  
حاج شيخ محمد جواد خراساني

٢: ١٣٩٧ هـ.

شنا سنا مه كتاب

نام كتاب : علائم دورهٔ آخر الزمان

تأليف : مرحوم حجه الاسلام والمسلمين حاج شيخ

محمد جواد خراساني

نشر از : قم انتشارات شهيد

نشریه شماره ۴ قم انتشارات شهيد

تیراژ : ۵۰۰۰

## بسمه تعالی و له الحمد

### گفتار ناشر:

نظر به اینکه عده‌ای از رفقا کرا را "درخواست کردند که آنمقدار از نوارهای منبرهای مرحوم والد که مرتب و آماده است چاپ شود و از اینطرف منبرهای ایشان چون در زمان رژیم طاغوت بود و روحیات و معنویات مردم نحوه دیگری بود، اقبال بدین کمتر و توجه بدنی بیشتر بود و مفاسد و بدعتها که برخلاف شرع مقدس و اسلام است چنانکه همگی مطلعیم روز افزون بود و آلودگی بدنی و مادیات کم و بیش که بی‌انگرمگی شده بود، لذا منبرهای ایشان در جهت انتقاد از وضع زمان خود بود که در تمام ممالک مستعمره بخصوص ممالک اسلامی و با لایحه ایسران سازی بود و ایشان هم بمصداق فعلی العالم ان ینظر علمه آنچه در توان داشتند بیان و مردم را بیدار میکردند. و همیشه آرزو میکشیدند حتی یک روز هم که شده زنده بمانند و زوال دولت پهلوی را ببینند و جشن بگیرند ولی اجل مهلت نداد و پس از دو سال از فوت ایشان بقیام ورهبری نایب الامام امام خمینی دام‌مظله و ایثار خون شهدا سلطنت پهلوی ها سرنگون شد و بتدریج

بعضی از آن مفاسد و بدعتها موضوعاً "در ایران منتفی شده و امید است بقیه هم بتدریج از بین برود تا اسلام را با چهره واقعی درخشانش لمس نموده و ایران الگوئی باشد برای صدور انقلاب بسا ثر کشورها و زمینه مسا عدی برای ظهور بقیه اللسه الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه

بدین جهت مردم در انجام خواست اینها که آیا در حال حاضر هم در اینجا مورد استفاده واقع خواهد شد یا خیر. و بالاخره نباشد که بعضی از منبرهای ایشان را که نفعش عام و درجه رفیع مفاسد اخلاقی مردم موء ثراست و سطح بینش دینی و اسلامی مردم را بالا میبرد آنها را چاپ و منتشر نمایم تا هم در خواست رفقا شده باشد و هم بمضمون آیه شریفه فذكر فان الذكرى تنفع الموء منین عمل شده و تذکر همیشه مفید و موء ثراست انشاء الله .

۱۳۶۰/۴/۱۵

منبرهای ایشان جز در موارد جزئی عین نواری پیاپی شده و دخل و تصرفی در آن نشده .

جزوه نائی که فعلاً از طبع خارج میشود بقرا رذیل است :

۱- درباره علائم دوره آخر الزمان و مخالفین امام زمان

۱۳۶۰/۴/۲۹

۲- درباره عشق ۱۳۵۵ .

۳- درباره نوروز ۱۳۵۵ شمسی .

۴- درباره رجعت ۱۳۵۳ .

## درباره علائم دوره آخر الزمان

ش ۱۳۵۳/۴/۲۹ بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا و  
نبينا وحبیب قلوبنا وطبيب نفوسنا وشفیع ذنوبنا ابي  
القاسم محمد (ص) ولعنة الله على اعدائهم ومعانديهم ومنكري  
فضائلهم ومناقبهم ومدعي شئونهم ومرااتبهم اجمعين من الان  
الى يوم الدين

قال عزم قائل: هل ينظرون الا الساعة ان تأتيهم بغتة  
فقد جاء اشراطها فاني لهم اذا جاءتهم ذكراهم.

خداوند میفرماید: ای پیغمبر این مردم منتظار چه  
میکشند چرا دست از معصیت و فسق و فجور نمیکشند، چرا توجه  
به حق نمیکنند چرا دست از پیروی شیطان نمیکشند منتظار  
میکشند که ساعت بر آنها ناگهانی بیاید.

مکرر گفته ام که ساعت که در قرآن ذکر میکند سه تا است یکی  
ساعت مرگ است یکی ساعت ظهور ولی عصر است و یکی ساعت  
قیامت است و این هر سه ساعت بسیار سخت و مشکل است.

حالا اینجا مقصود ساعت مرگ نیست بلکه ساعت ظهور؛

ساعت قیامت است.

میفرماید اینها انتظار میکشند آن ساعت را که ساعت  
 غضب خدا است غضب عمومیست غیر از ساعت مرگ است که انفرادی  
 است (و هر کسی را بخود نگاه میکنند) اما ایندو ساعت عمومی  
 است و غضب خدا شدید است و البته واقع شدن این ساعت شرائطی  
 دارد مقدماتی دارد که باید محقق شود و شرائطش وجود پیدا  
 کند تا انجام شود و از آن شرائط تعبیر به علامات میکنند  
 علاماتی دارد، نشانه‌هایی دارد که وقتی پیدا شد دلیل این  
 است که نزدیک است ساعت.

حالا این حدیث مفصلی که وعده کردم در ذیل این آیه است  
 که اشراط مساعت را بیان میکند احادیث در این باره زیاد  
 است اما این یک حدیثی است مفصل که مقدار زیادی از علامتها  
 را بیان کرده که وقتی با تأمل و دقت بررسی کنیم می‌بینیم که  
 مطابق وضع عمومی ماست چیزی کسرو کم ندارد تمام منطبق است  
 و بنا بر این ظهور حضرت بقیه‌الله نزدیک است و وقتی آمد دیگر  
 متذکر شدن فایده ندارد چنانچه چند جای قرآن تنصیص میکند  
 مانند اینجا میفرماید فانی لهم اذا جائتهم ذکریهم.

حالا هر چه هم داد بزنند لکه خدا یا غلط کردیم بد کردیم  
 نفهمیدیم" فایده‌ئی ندارد و تذکر در آن وقت هیچ نتیجه‌ئی  
 هر چه باشد قبل باید تهیه کرد چنانچه در قیامت هم اینقدر گریه  
 میکنند که خون در چشم‌هایشان می‌آید، اینقدر عرق و اشک میریزند  
 که از اشک و عرقشان آب جاری شده می‌آید تا گلویشان و هر چه

داد میزنند فایده ندارد.

اما در این دنیا تا قبل از آن موقع خیلی آسان است به یک غلط کردم خدا یا نفهمیدم برگشت میکند ولی وقتی صدای بارسای بقیه الله بلند شود به همه گوشها میرسد و دیگر در توبه مسدود میشود و توبه و برگشت درکار نیست و چنین نیست که توبه که درکار نبود مانده اعدا مهای دنیا باشد که فقط کشتن باشد بلکه کسیکه مشمول شمشیر دیگر آخرت هم ندارد. پس هر چه باید کرد همین الان باید کرد.

حالا این حدیث شریف از پیغمبر (ص) نقل میکنند در کتابهای تفسیر هست در بحار جلد سیزدهم و در تفسیر صافی و تفسیر برهان و تفسیر علی بن ابراهیم و ما فعلا از تفسیر نور الثقلین نقل میکنیم:

حدیث از ابن عباس است قال حَجَّجْنَا مع رسول الله (ص) حجة الوداع با پیغمبر اکرم حج گذاردیم آخرین حج را (که پس از آن حضرت وفات کرد).

حج که تمام شد مردم در مسجد الحرام اجتماع کردند فَأَخَذَ بِحُلُقَةٍ بِأَبِ الْكَعْبَةِ پیغمبر آمد نزدیک در کعبه حلقه را بدست گرفت و بعد توجه کرد به مردم.

ثم أقبل علينا بوجهه فقال رو کرد به مردم و فرمود لَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْجَاهِیج تناسبی نداشت از برای این حجتها و گفتن این مطالب نه آیهئی در این موقع نازل شده که صحبت



کند نه یک پیش آمد تا زه‌ئی شده و نه چیزی شبیه اینها . ولی پیغمبر اکرم خودش فرمود **نُعَيْتُ إِلَيَّ نَفْسِي** این آخرین سفر من است خبر مرگ به من داده و این آخرین حج است . چون اینها را توجه داشت و این جمعیت هم که به اسم حج آمده‌اند و همچه یک جمعیتی دیگر برایش نخواهد شد که این سخنان را برای همه و در محضر و مشهد همه بیان کند به این جهت رو کرد به این مردم از اوضاع این زمان که چه چیزهاش بعد از او خواهد شد خودشان را نبازند نگویند مقتضیات زمان این است امروز مردم همه چنینند این سخنان را در آن موقع از همه چیز مهمتر دانسته و گفته تا اینکه همه بشنوند و به یکدیگر برسانند حالا توجه کنید چه می‌گوید .

فرمود نمی‌خواهید به شما خبر دهم از اشراف ساعت مقدمات ساعت ظهور ، یا ساعت قیامت چه علامت و نشانه‌هایی دارد که وقتی دیدید بفهمید **وَكَانَ آدْنَى النَّاسِ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ** سلیمان از همه نزدیکتر به پیغمبر در آن موقع سلیمان بود خیلی نزدیک پیغمبر قرا گرفته بود لذا وقتی این فرمایش را پیغمبر فرمود سلیمان گفت یا رسول الله بفرمائید به بینم چیست ؟ قال :

**مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ إِضَاعَةُ الصَّلَاةِ وَاتِّبَاعُ الشَّهَوَاتِ وَالْمَيْلُ مَعَ الْأَهْوَاءِ وَتَعْظِيمُ أَحَابِبِ الْمَالِ .**

فرمود از شروط و علامتهای ساعت ضایع گذاردن نماز است که نه به وقتش میخوانند نه مقید به خصوصیاتش از رکوع و سجود و

مسائلش نیستند یک عده هم که اصلاً نمیخوانند با نماز سر و کار ندارند آقا به بچه‌اش اول به بچه‌اش می‌گوید مشق‌ها یست را کردی نمی‌گویی نمازت را خواندی؟ به نماز چه کار دارد حالا خودش هم که اهل نماز باشد چند ساعت از شب گذشته می‌خواهد نماز بخواند آن هم با چه سرعتی و به چه نحوی پس این ضایع کردن نماز است.

دیگر از علائم پیروی کردن از هواها و هوس‌ها و خواهش‌ها دلم می‌خواهد منهدل دارم و منهدم بشرم هر چه دلش بخواهد شهوات و دل‌خواسته‌ها را پیروی میکند چه خواسته‌های چشمی یا گوش‌ی مثل آوازهای مزیقی یا سر و کله‌ام را می‌خواهد هم‌بیریش کنم صاف کنم یا دل‌خواسته‌های لباس این فرم بیوشم فلان مد را به پوشم دل‌خواسته‌ها یکی زد و تا رده تا نیست خیلی است.

دیگر از علائم و الميل مع‌الاهواء تمایل کردن با هواها خدا در کار نیست که به بینیم خدا چه می‌گوید همه‌اش میل به طرف هواها است هواهای مردم مثلاً مردم امروز اینطور می‌خواهند پس منهدم اینطور شد چرا لباس این جور پوشیدی مدش چنین است این جور مردم می‌خواهند چرا خودت را چنین کردی امروز این جور می‌پسندند و هكذا.

و دیگر تعظیم اصحاب المال تعظیم کردن اصحاب مال و پول دارها بزرگ کردن آنها حالا می‌خواهند دین داشته باشد آن پول دارها نداشته باشد بدیشش کار ندارند فقط چون ملیونراست

میلیا رد راست همه تعظیم میکنند بفرما بفرما میگویند ولسی  
اگر یک نفر موء منی در مجلسی و یا حتی در مسجد بیاید که فقیر  
باشد هر کدام میگوید اینجا جانست برو آنطرف .

دیگر از علائم و بئع الدین بالذنیاً فروختن دین به دنیا  
دین فروشی زیاد میشود دین میخواهند چه کنند ای کاش  
به یک قیمتی مهم هم میفروختند اصلا ارزش برای دین قائل  
نیستند پنج تومان میگیرند امضاء میکنند پنج تومان  
میگیرند شهادت میدهند اقلا به مبلغ زیادی باشد که برای  
او صرف دنیوی بکند نخیر با ماهی دو بیست تومان با حقوق ماهی  
پانصد تومان دینش را میفروشد میگوید خوب چه کنم کار ندارم  
کار گیرم نمی آید . خوب نگو چه کار کنم ، تو دین نداری پدر جان  
دین تو پیش تو ارزش ندارد که میفروشی .

فَعِنْدَهَا يُذَابُ قَلْبُ الْعَمُوءِ مِنْ فِي جَوْفِهِ دَرَانِ زَمَانِ كَه چنين شد  
زندگانی برای موء من خیلی سخت است چون اهل نماز نیستند  
کسی اعتنا به نماز ندارد و شهوترانی و هواپرستی و تعظیم  
به پولدار و دین فروشی به دنیا روی این جهات دل موء من آب  
میشود همچنانکه آب میشود نمک در آب

مَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُغَيِّرَهُ دَل مَوءِ مِنْ آبِ مِشْوَد  
از این منکراتی که میبینند و نمی تواند تغییر بدهد ، راه میرود  
همه جور می بیند کله برهنه هیپی بیریش آستین کوتاه هر قدمی که  
راه میرود یک شکل و ریختی قمار با زهر و شینی گفتربا زی نماز

موء من اينهارا مي بيند و چون نمي تواند تغيير وضع بدهد قلبش  
 آب ميشود سلمان گفت وان هذا لكائن يا رسول الله تعجب كرد  
 و گفت آيا چنين چيزي ميشود كه منكر را به بيند و نتواند تغيير  
 دهد نميدانست كه آزادي مي آيد توي مملكت هي مي گویند ما  
 آزاد مي خواهان حزب آزاد مي خواهان آزادي آزادي و هيچكس حق  
 ندارد حرفي بزند .

حضرت فرمود بله قسم آن كسي كه جان من در دست او است  
 اي سلمان اي سلمان إِنَّ عِنْدَهَا يَلِيهِمُ الْخِ وَقْتِي اين جور شد بر  
 آنها مسلط ميشود و حكومت مي كند امراء حوره اميرهاي جائر  
 زورگو صد تومان بايد بدهي دوهزار تومان بايد بدهي تا بگوشي  
 چرا اضافه ميشود چرا اتيكيت نداري فلان قدر بده و چرا چنين  
 نكردي اينجا را كاشي نكردي چرا آجر ريختي در مقابل خانه ام  
 ش هزار تومان بده اينها اميران جاهر هستند .

ديگر و وزراء فَسَقَه . وزيران فاسق وزيران هم كه مرتبه  
 بالایشان هستند كه مردم از آن اميران بايد به آن وزيران شكايه  
 كنند خود آن وزيران هم فاسق اند و از دين چيزي سرشان نميشود  
 فقط عياش و بخور و بنوش هستند .

ديگر و عرفاء ظلمه ان موقع مثل اين كلان تريهاي حال را  
 ميگفتند عرفاء كسانيكه دريك محله اي بودند كه مردم در آن  
 محل در تحت نظر آنها بودند و اسم افراد آن محله در طومارشان  
 بود و اينها معرف افراد محله بودند مي فرمايد آنها هم ظالم و



وستمگر میباشند.

دیگرواُ مَنَاءُ خَوْنَهٗ مَسْلُطٌ مِیْشُودُ وَبِرَّآئِنَهَا امینِ هَآی خَائِنِ  
مانند امناء دولت یکوقت میگویند رئیس مالیه پنجسأه  
میلیون بلند کرده و رفته اروپا عجب این امین بودیا اینکس  
رئیس فلان جا چقدر بلند کرد مدیرکل فلانجا چه کرد با الاخره  
امین های خائن هستند چه رده بالا و چه در رده پائین اینهانس  
خدا را میشناسند نه دولت را میشناسند با این ملت خدا را کس  
نمیشناسند دولت را میشناسند ولی عما ل خود دولت بدتر از این  
ملت هستند خدا را میشناسند برای اینکس رفتند برای دولت کار  
میکنند خود دولت را هم نمیشنا سنند برای اینکس بقوا نین خود دولت  
رفتار نمیکنند مبلغی میگیرند و از جنس قا قا ق چشم پوشی میکنندیا  
رشوه های دیگر در موارد دیگر پس از بالا تا پائین امینهای خائن  
هستند از مدیرکل و پاسبان و سفور . قال سلمان وان هذا کائن  
یا رسول الله سلمان گفت چنین چیزی هم میشود یا رسول الله که  
همه طبقات خراب و اینجورا فراد مسلط میشوند امیرانشان آن جور و  
وزیرانشان آن طور حکومت های پائینشان آن طور ظالم فرمود :  
اِیُّ وَالَّذِی نَفْسِی بَیْدهِیَا سَلْمَانُ اِنَّ عِنْدَهَا یَکُونُ الْمُنْكَرُ  
معروفاً و المَعْرُوفُ مُنْكَرًا بَله قسم بان کسی که جان من در دست  
او است وقتی این جوری شد معروف ها منکر میشود و منکرها معروف  
قبیح منکر میروود و خوب میشود و خوب هم بد میشود نما ز خواندن  
مثلا جزو منکرات میشود میگوید کجا بودی رفتی مسجد برو بابا

بیکاری مسجد رفتی یا اشاره به ریش میکند که چرا گذاشتی  
 آشیخ شدی و مسخره میکند مسجد رفتن و نماز خواندن و ریش  
 داشتن وووو... منکر میشود بجایش هیپیگری و قرطی بازی  
 ورقاصی (که هنرپیشهگری است) و شراب فروشی و قمار بازی و  
 معروف و خوب میشود.

دیگرو یوء تمن الخائن و یخون لامین در آن موقع خائن را امین  
 میکنند و امین خیانتکار. هر که را که امین میکنی خیانت  
 میکند چه اداری بچه غیر اداری ادیش را که الان مثال زدیم  
 اما غیر اداری مثل اینکه هر وقت می رود یک شاگرد می آورد  
 ملتفت میشود که چه قدر بلند کرده یعنی خائن در می آید از کجا  
 یا اینکه با کسی شریک میشود بوقت متوجه میشود که شریکش  
 چه قدر سرش کلاه گذاشته.

ویصدق الکاذب و یکذب الصادق در آن موقع دروغگوها را  
 تصدیق میکنند میگوید آقا فلان روز نامه نوشته. با باروز  
 نامه سرتاپاش دروغ است یا دولت چنین گفته آخر دولت کدام  
 حرفش راست است اینها را تصدیق میکند اما آدم راستگوارا  
 تکذیب میکنند مثل اینکه میگوید ولکن با آخوندها اینها  
 را از خودشان میگویند از خودشان در آورده اند اینها برای  
 دکان است تکذیب راستگوارا میکنند قال سلمان وان هسذا  
 لکائن یا رسول الله سلمان گفت این چیزها خواهد شد یا رسول  
 الله منکر معروف و معروف منکر و خائن امین و راستگوارا تکذیب

ودروغورا تصدیق کنند فرمود .

ای والذی نفسی بیده یا سلمان فعندها تكون اماراة النساء و مشاورة الاماء و قعود الصبيان علی الهنا برفر مود بلسه خواهد شد اما در آن موقع میدانی باز نتیجه چه خواهد شد در آنوقت زنها حکومت میکنند ادارات پرزن میشود مدیرکل . . زن میشود وزیر فلان زن میشود رئیس فلان زن میشود حکومت زنها و مشاوره الاماء حالا که کنیزی در کار نیست مراد اینهائی هستند که حکم کنیز را دارند مثلا خودش یا مادرش رختشوبوده حالا رفته معا ون شده . یا اینکه با کلفتها ایشان مورد مشا ورت قرار میگیرند . و قعود الصبيان علی المنا بروتی اینطور شد نزدیکها بر منبرها مینشینند اقا پسر چهارتا کلمه یاد گرفته میرود بالای منبر قارقار میکند چرا نشستید چرا ایستادید چرا چنین نمیکنید چرا چنان نمیکنید آی ملت چنین آی ملت چنان، بابا به توجه مربوطه فضول باشی هستی دهانش بوی شیر میدهد اراه به همه آیه اللهها اعتراض میکند آخربا با پیشتر از تو هست تو به این فضولیها نیا مده دیگر .

ویکون الکذب ظرفا و الزکوة مغرما . دروغ گوئی ظرافست حساب میشود میگوید آدم خوش مجلسی است خوش مشربی است خیلی خوش مزه است مجلس را گرم میکند ، بابا دروغ و چرت و پرت که این تعریفها را ندارد .

و الزکوة مغنما زکوة دادن خمس دادن این چیزها را در

راه خدا دادن و صدقات دادن را غرامت میبینند مثل پول زوری است که دولت از اونها میگیرد خیلی به آنها ناگوار است این را غرامت و جرم می بینند ما هزار تومان شب مجلس گرفته خرج کرده اما فردایش آمدند میگویند پنجاه تومان باید به دولت بدهی بابت فلان چیز آقا اینقدر زورش میآید میگویند تو اینقدر دیشب خرج کردی حالا پنجاه تومان چیزی نیست جواب میدهد نه این یک چیز زوری است آدم بدهد این را میگویند عزامت حالا حدیث میگوید چیز برای خدا دادن را صدقات را عزمیت و پول زور میدانند آی این پولها چیه که آدم بدهد، زکوة که حالا افتاده من الان قریب ۳۳ سال است در تهران هستم ندیدم کسی بیاید و مسئله زکوة بپرسد . عجب روزگاری است . آنوقت باید بجای او همیشه از این پولها و مالیات های دولتی به دولت بدهد .

والفیء مغنما فیئى آنچه را جمع به بیت المال است جنگی یا غیر جنگی غنائمی هم که در جنگ بدست میآورند مال دولت که نیست معنی ندارد در شروع معلوم شده است مصرف آن و همچنین این چیزهایی که سرکوهها و درهها و بیا با نهایی لم یزرع اراضی موات و جنگلها و دریاها هم مال کسی نیست بلکه همه فیئى است مال خدا است و عمومی است ولی فرمود اینها را هم مغنم حساب می کنند غنیمت خود میدانند در انحصار خودشان قرار میدهند و صدایت در بیاید پدرت را در میآورند کوسفندت هم حق ندارد برود .



ويجف الرجل والديه ويبرصديقهم در آن موقع می بینسی  
 شخص پدر و مادر و آنها چیزی ندارند ولی به پدر و مادرش  
 کمک نمیکنند و چیزی نمیدهند اما رفیق بازی میکند با رفیقش  
 این و آن ورمیرود به او نیکی میکند. دو سال قبل یک بنده  
 خدائی بود که بچه هایش بیرونش کرده بودند از منزلش خوب  
 چیکار کند یک جوری هم نیست این مملکت که آدم برود و بگوید  
 این چه وضعی است به چه کسی شکایت کند بله این مسجدی ها هر  
 کدام چیزی دادند با و تا آخرش توی خانه مردم مرد پس به پدر و  
 مادر در آن زمان جفا میکنند و به رفیقشان نیکی.

قال سلمان وان هذا الكائن يا رسول الله . سلما ن این جور  
 چیزها میشود یا رسول الله فرمود: بله قسم بآن کسی که جانم در  
 دست اوست .

وعندها تشارك المرثه زوجها في التجارة در آن موقع مردها  
 با زنهای در کاسبی کردن شریک میشوند اما اداره میرود خانمش  
 هم یک اداره دیگر خانم بیشتر می آورد چون دو کاره است یکدسته  
 هم دردگان نشان کاسبی میکنند مثل زنهای شیکه دردگانها کار  
 میکنند در فروشگاهها .

ويكون المطرقیظا ويغیظ الكرام غیظا در آن موقع باران  
 هم قیظ است نا جور و نا منظم و غیر مرتب است گاهی کم است و  
 گاهی اصلا نیست گاهی بقدری میآید که سیل جاری میشود. و  
 یغیظ الكرام بزرگان هم در خشم میافتند همه اوقاتشان تلسخ

است از دست وضع زمان همه شکایت دارند .

ويحتقر الرجل المعسر آدمی پول کوچک شمرده میشود  
 آدمی که چیزی نداشته باشد هیچکس اعتنایش نمیکند پستش  
 می‌شمارند ولو فهم هم داشته باشد ولو دین هم داشته باشد و لو  
 علم هم مثلاً مقداری داشته باشد خیر اینها هیچکدام مایه فضیلت  
 نیست چون پول ندارد حقیرش می‌شمارند ولو از اقوام آنها هم  
 باشد حقیرش می‌شمارند .

فعدنها تقارب الاسواق اذ قال هذا لم ابع شيئاً وقال هذا  
 لم اربح شيئاً فلا تری الا اذا ما لله فرمود در آن زمان بازاریها  
 همه یک شکل و یک جور است یعنی ابتلا عمومی میباشد یکبارانی  
 است که بسره ریخته این میگوید من چیزی دشت نکبردم آن  
 میگوید من چیزی سود نبردم دیگری میگوید من کاسبی نکردم .  
 توضیح اینکه قبلاً چنین بود که وقت به وقت بود و فصل به  
 فصل یکوقت بازار گردش روی پشم و پنبه بود برو بیا داشت یک  
 وقت بازار فرش خوب است و بعدرا کدمیشود و یکوقت بازار  
 روغن خوب است و بازار با زار میافتد یکوقت بازار چیز دیگری  
 ولی در آن زمان بازارها مثل هم است بازار هر جنسی مثل جنس  
 دیگر است بلای عمومی به همه خورده غیر از نسبه دادن و چک دادن  
 و سفته دادن در کاسبی ها نیست بعلاوه که بازار همه یکسان است  
 در اینصورت نمی‌بینی مگر مذمت کنند خدا یعنی چون کاسبیها  
 را مذمت میکنند در حقیقت خدا را مذمت کرده اند و میگوید خدا

با مالج است سلمان گفت یا رسول الله این چنین چیزها میشود  
فرمود ببله قسم به آن کسی که جان من در دست اوست سلمان .

وَعِنْدَهَا يَلِيهِمْ اقْوَامٌ اَنْ تَكَلَّمُوا قَتَلُوهُمْ وَاِنْ سَكْتُوا اسْتَبَاحُوا هُمْ  
لَيْسَتْ اَشْرُونُ بِفِيئَتِهِمْ وَلَتَمْلِئُنَّ قُلُوبَهُمْ غَلًا وَاِنْ غَبَا فَلَ تَرَايَهُمْ اِلَّا  
وَجَلِيْنَ خَائِفِيْنَ مَرْهُوبِيْنَ .

در آن موقع مسلط میشود بر آنها جماعتی که اگر حرف بزنند  
میکشند آنها را و اگر ساکت بشوند و حرف نزنند هر چه که دارند  
از آنها میگیرند احترام آنها را از بین میبرند، حرمتی برای  
کسی قائل نیستند .

وَالْيَسْفَكُنْ دِمَائِهِمْ وَخَوْنَهَا يَأْتِيهَا رَا مِيرِيْزَنْدَفَلَا تَرِيْهِمْ اِلَّا  
مَرْهُوبِيْنَ نَمِيْ بِيْنِيْ مَرْدَمِ اَنْ زَمَانِ رَا جَزَا نَكِهْ هَمَهْ تَرَسَانِ وَاِنْ زَانِ  
قَالَ سَلْمَانُ وَاِنْ هَذَا لَكَ اِنَّ قَالَ اِي وَاَلَّذِيْ نَفْسِيْ بِيْدِهِ  
سَلْمَانُ كَفْتِ جَنِيْنِ چِيْزِيْ مِيْشُوْدُ فَرْمُوْدُ بِلَهْ قَسْمِ بَهْ اَنْ كَسِيْ كَسُوْدُ  
جَانِ مَن دَر دَسْتِ اَوْسْتِ خَوَا هَدَشْدُوْ رَهْنُوْزِ هَمِ بِيْشْتَرِ .

اِنْ عِنْدَهَا يُوْتِيْ بَشِيْ مَن اَلْمَشْرِقِ وَشَيْئِيْ مَن اَلْمَغْرِبِ  
يَلُوْنَ اَمْتِيْ فَا لُوَيْلُ لَضَعْفَا اَمْتِيْ مَن هُمْ وَا لُوَيْلُ لِهَمِ مَن اَللَّهْ  
لَا يَرْحَمُوْنَ صَغِيْرًا وَا لُوَيْقُرُوْنَ كَبِيْرًا وَا لِيْتَجَا وَا لُوَيْلُ عَن مَسِيْئِيْ جَسْتَهُمْ  
جَسَا لَادَمِيْنَ وَا لُوَيْلُ قَلُوْبِ الشَّيْطَانِ .

فرمود در آن زمان یکدسته از مشرق و یکدسته از مغرب  
(اروپا میایند اینها در مملکت اسلامی متولی کارهای امت من  
میشوند مثلاً بنام مستشار و چیزهای دیگر که خودتان میدانید

وای به حال ضعفای امت من که از دست آنها چه میکشند (و وای به حال ضعفای امت من که از دست آنها چه میکشند) (و وای به حال آن اقویا از خدا) آنها نه رحمی به کوچک میکنند و نه حرمتی برای بزرگ قائلانند، و از متخلف از قوانینشان هم گذشت ندارند.

جستهم جثه الادمیین. هیکلشان مثل هیکل آدمها است دستی دارند با کار دوچنگال هم چیزی میخورند افسار و کراوات هم دارند اما دلهایشان دلهای شیطان است. عمده دل است دست و پا و گوش چیزی نیست کاری از او ساخته نیست دل است که حکومت دارد بر این چشم و گوش و دست و فرمان میدهد که چه کند پس دلهای شیاطین است مگر شیطان رحم به بچه میکند نه با بچه سرش نمیشود بزرگ سرش نمیشود. سلمان عرض کرد یا رسول الله چنین چیزی خواهد شد. فرمود بله قسم به آن کسی که جان من در دست اوست.

وعندها یکتفی الرجال بالرجال در آن موقع مردها از نظر جسمی به مردها اکتفا میکنند مثل قوم لوط میشوند و زننها به زنها. به سربیک پسر خوشگل با هم دیگر غیرت بخرج میدهند و چاقو کشی میکنند همچنانکه بر سربیک دختر غیرت میورزند که این میخواهد آن دختر را بگیرد و آن دیگری هم میخواهد همین دختر را ازدواج کند و مرا فعهشان میشود کذالک سرپرزبیا هم به همین نحو مرا فعه میکنند.



خداوند این ملت را عقبه میزند یعنی هرکدامشان را یک جور عقاب میکند خوب خود این مرافعات و چاقو کشی‌ها هم یک جور عقاب است .

پسری که مادرش بی حجاب و برهنه راه می‌رود و همیشه آن پسر بارادین و تلویزیون بوده و شیر این مادر را هم خورده باشد چه درمیاید از کار حالا می‌خواهد اسمش مدیر کل باشد یا مدیر جزء باشد بالاخره چنین است که مردان در امر غریزه جنسی به مردان اکتفا میکنند و زنان به زنان و با هم در این جهت نزاع میکنند .

وتشبه الرجال بالنساء والنساء بالرجال در آن موقع مردها شبیه به زنها میشوند و زنها شبیه به مردها ، زنها همه روز به روز موها را کوتاه میکنند تا مثل مردها شوند خوب حالا شدی آن یا رورا چکارش میکنی آن را که نداری یا مردت که خیال میکند موهای خود را بلند کرد و هیپی شد یا شلوار فلان جور پوشیدن میشود تا حالا میگفتیم ریش هایش را میتراشد خودش را مثل زنها میکند ، دیگر این چیزهای امروز را نخوانده بودیم که این جور هم میشود معلوم میشود فقط ریش تراشی نیست بقیه چیزها را هم خواهیم دید که چه جوری شبیه به هم میشوند هر روز یکفرمش درمیاید .

وترکبن الفروج علی السروج زنها سوارزین میشوند سوارزین میشوند سوار اسب میشوند موتور سوارری و ماشین

سواری میکنند. فعليهن من امتي لعنة الله براین جماعت  
 از این زنان لعنت خدا باد. سلمان گفت یا رسول الله چنین  
 چیزی میشود فرمود ببله قسم به آن کسی که جان من در دست اوست  
 ان عندها تزخرف المساجد كما تزخرف البيع والكنائس با  
 همه این که دین ندارند و نشانه‌ی از دین ندارند ولی مسجدها  
 را خیلی خوب درست میکنند قشنگ و زیبای میگویند مسجد  
 باید آبرو مندانه باشد خودشان دین ندارند و از دین بگری  
 هستند و به اسلام کاری ندارند آمدند مسجدها را قشنگ کنند یعنی  
 بقول مشهدی‌ها از کلاه مالی فقط آب پفش را یا دگر گرفته آخر سابق  
 کلاه مال وقتی کلاه را درست میکرد آب توی دهنش میگرد (مثل  
 فش فشه‌های امروز) نم میزد به کلاه با آب داخل دهنش حالا ما هم  
 از دین داری فقط این چند چیز را یا دگر گرفتیم یکی که مسجدها را  
 خیلی زیبا کنیم كما تزخرف البيع مانند زیبا کردن کلیساها  
 از آنها یا دگر گرفتیم.

وقتی حساب میکنیم خوب توی شهرها که جای خود دارد توی  
 ده‌ها هم دیگر رسم شده: خلاصه‌ی می‌بیند به جان مردم می‌افتند  
 آ‌ی می‌خواهیم فلانجا مسجد بسازیم به هر کس میرساند پول بگیرند  
 از آخوند و کسبه و بازاری و اداری از همه پول می‌گیرند می‌گوئیم  
 با با حالا یک مسجد داریم. نه با با می‌خواهند امروز درست  
 کنند حالا دیگر مد شده که مسجد درست حسابی را هم می‌زنند خراب  
 میکنند از نو دوباره درست کنند چرا چون فلان جایش قشنگ

نیست آبرومند نیست چندتا ایراد برایش میگیرند این جا  
چشم اندازها اینجا فلان است خوب بعد که میسا زندبا همه این  
خرجها از این بگیر و از آن بگیر کونما زخوانش ملائکه هستند مثل  
روضه خوانها میرود خانه مردم روضه بخواند اگر صاحب خانه نباشد  
میگوید خوب صاحب عزاهست برای صاحب عزاروضه میخواند حالا  
این مسجدها با این تشکیلات و تشریفات برای ملائکه درست  
میکنند نمازخوان ندارد، پیشترها میگفتند حیف از این  
مسجد که درسمنان بود یک وقت ما که رفتیم سمنان رفتیم ببینیم  
این چه مسجدی است که ضرب المثل شده دیدیم بله واقعا "مسجد  
بزرگی است ایوان خیلی بزرگ هم دارد اما هرچه نگاه کردیم  
غیر از ما که رفته بودیم آنجا نماز بخوانیم اول ظهر هم بود دیدیم  
هیچ نمازخوانی آنجا نیست لانه کبوترها بود. گفتیم با این  
شاعر است گفته که حیف از آن مسجد که درسمنان بود حالا وقتی  
نگاه میکنی به هر مسجدی باید گفت حیف از این مسجد که درتهران  
بود حیف از این مسجد که در این شهر بود پس یکی زیبا کردن  
مساجد است مانند زیبا کردن کلیساها.

وتحلی المصاحف دوم قرآنها را خیلی زرو زینت میکنند  
جلدهای قشنگ و کاغذ عالی و خطش بهترین خط است ولی قرآن  
خوان ... با با قرآن این چیزها را میخواهد چه کند.

وتطول المنارات سوم مناره های مسجد را بلند میکنند آخر  
در زمان پیغمبر (ص) که مناره نبود ولی حالا هر مسجدی مناره

در زمان پیغمبر (ص) که مناره نبود ولی حالا هر مسجدی مناره دارد آنهم چه مناره‌هایی به هر کشوری که میروی یک مناره‌های عجیب و غریبی ساخته‌اند.

وتكثر الصفوفات والقلوب متباغضه والسن مختلفه صفها زیاد خواهد بود ولی دلها با همدیگر بغض و کینه دارد و زبانها -  
یشان اختلاف دارد نه اینکه یکی فارس است یکی ترکی و یکی چیز دیگری که مراد عقیده است و روش است که متفاوت است دل این غیر از دل آن است، سلمان گفت عجیب این چیزها میشود از دین داری فقط همین‌ها باقی میماند مسجد خلی قشنگ و آبرومند مناره‌های خیلی بلند و قرآنها ی خیلی قشنگ اجتماعات زیاد دل‌های متفرق فرمود بلبه قسم بآن کسی که جان من در دست او است.

وعندها تحلی ذکورا متی بالذهب ویلبس الحریر والدیباچ ویتخذون جلود النمر صفاقا . در آن زمان مردان امت من به طلا زیور میکنند انگشتر طلا و حلقه طلا مدام میشود ابریشمی و زر بفتی میپوشند و پوست حیوانات را میپوشند.

مثلا هر که خانم تراست یا هر که آقا تراست بیشتر لباسهایش از اینها است علامت خانمی و آقائیش این است یا تمام لباسهایش از اینها است یا اینکه فقط سرشانه‌اش و سرآستینهایش . باز هم اگر نباشد مصنوعیش را میسازند و میپوشند بلبه همه‌اش میخواهند نمایش بدهند.

یک حلقه طلا دست دارد چه خبرته‌هی نشان می‌دهی آخر این حرام است و تو می‌خواهی انجام دهی چرا باین کمی بیشترها می‌گفتند آدم حرام بخورد و آنهم شلغم اگر می‌خواهی حرام انجام دهی کاری باشد که ارزشی داشته باشد از بس بیشعورند حالیشان نمیشود بعلاوه خوب یک انگشتر بگیر که الماس باشد یا نظیر آن چیزهای گران دیگری هست آنوقت اگر کسی با تو حرفی زد که حرام است قیمتش هر چقدر باشد اما این حلقه‌ئی که همه‌اش چهار صد تومان یا مقداری بیشتر است حرام است نمازت هم درست نیست اگر نماز خوان باشی پس این حدیث شرح می‌دهد که مردم آن زمان کسانی هستند که اینقدر نفهم و پست هستند همه‌اش فکر زیبایی و پی خوشگلی و پی هوا و هوس هستند میخواهند برود زن بگیرد حلقه دستش میکنند بیشترها مردها نشان میداد به زن حالا زن هم مرد را نشان میکند آنهم به حلقه حرام این هم از پستی است سلمان گفت یا رسول الله این جورها میشود فرمود بله قسم بآن کسی که جان من در دست او است .

و عندها یظهر الزنا نتیجه اینکه در آن موقع زنا هم ظاهر میشود اگر بیشترها مخفی بود و کم بود و با هزار ترس و لرز و با چه صدمه و لطماتی اما حالا چنین نیست ظاهر و آشکار میشود زنا و جلوگیری ندارد مالیات هم برای اینکارها باید بدهد خاتم و بعد از مالیات دادن اشکال ندارد بالا بدهد پائین بدهد هر جا میخواهد بدهد آزاد است .



ویتعا ملون بالغیبه والرشا معا مله کارهاشان بغیبه و رشوه است این غیبه آنرا میکند آن دیگری غیبه آنرا این رشوه به آن میدهد آنهم به این، کارهاشان بدون رشوه نمیگذرد بلکه لازم نیست رشوه پول باشد. همین که میرود دیدن و چون فردا سروکارش با او است این میشود رشوه قرضی کار میکنند یعنی برای خدا نیست.

ویوضع الدین وترفع الدنيا. دیگر اینکه دین پائین میرود و پست میشود. دنیا بالا میرود و جلوه میکند ترقی میکند سطح زندگی‌ها میگوید سطح زندگی بالا رفته خوب تو بردیش بالا والا بالا نرفته خوب گوشت چنین نان چنان شده بلکه بالا رفته اما عمارت و ساختمان هم اینجور بود که میگوید اینجور بسازی اینرا تو بردی بالا فرش خانهات را هم خودت بردی بالا که میگوید فرش چند هزار تومان بخری که نصف آنهم قرض باشد که میگوید میز و مبلمان و بساط داشته باشی که نصف آنهم قسطی باشد این هم مثل نان و گوشت است پس زندگی نرفته بالا تو بردی اش بالا تو رو کار ساختن تمام سنگ میکنی یا خود ساختن را با آنقدر تشکیلات میسازی باز میگوئی سطح زندگی رفته بالا لا بخیر خودت بردی بالا بالا لاخره فرمود دنیا می رود بالا ترقی میکند همه فکرشان دنیا است و دین میاید پائین کسی توجه بدین ندارد مگر چهارتا آخوند، دین برای آخوندها است فقط فکر دین نیستند همه اش به فکر پول پیدا کردن و چه جور خرج

کردن وجه جور ساختن و منصب و مقام دنیا هستند . سلمان گفت  
وان هذا الكائن اينچنين میشود . فرمود بله قسم بآن کسیکه  
جان من در دست او است .

و عندها تکثراً لطلاق خوب لوازم این کارها همین است که در  
آن موقع طلاق زیاد میشود چون دیگر با هم سازش ندارند و  
نمیتوانند بسا زندگی دیگر خیلی ادا و اصولی شده خیلی چیزها  
میخواهد دائم قرقر میکند و دعوا میشود خوب رفته خانه خواهرش  
آنچور خانه خاله اش چنان خانه خاله قزیش چنین است پس باید  
این هم چنین باشد لذا دعوا و طلاق پیش میآید این یک قسمت  
از علت طلاق است .

یک قسمتش هم مربوط به قرطی گریهای خود زن است گرچه  
مردش هم خودش قرطی است اما هرچه نانجیب باشد بآن حدی که  
زن میخواهد نیست چون درست است که بعضیها هستند دست زنیکه  
را هم گرفته میروند توی خیابان ولی همه شان چنان نیستند  
اونجوری حاضر نیستند قرطی گری میخواهند اما برای زنهای  
دیگر ، گفت مرگ حق است اما برای همسایه ، اینهم دلش میخواهد  
مثلاً دیگران را به بیندولی زن خودش را حاضر نیست آنطور  
باشد . اما خود زن میخواهد قرطی باشد و بیاید توی کوچه و  
خیابان بآن نحو لذا دعوا و مراغه میشود و طلاق میشود

ما که اهل روزنامه نیستیم ولی تصادفاً چند سال قبل نزدیک  
نوروز یک روزنامه آورده بودند نوشته بود طلاق در تهران ۶ هزار

وچندصد طلاق در این روزها واقع شده بخاطر نوروز خوب با بسا نوروز چیه که اینقدر طلاق برای او داده میشو دبله با مرتکبه دعواشان میشو که فلان چیز با ید با شد و فلان جور با ید با شد فلانی میاید عیب است بد است و امثالها هر سال با ید فلان چیزش را عوض کند هر سال با ید فرشها یش را عوض کند در نتیجه اینها طلاق زیاد میشو در مالک دیگر هم بخاطر نظائر امور طلاق زیاد میشو فلا یقام لله حد در آن موقع برای خدا حدی اقامه نمیشو نه کسی را دست میبرند اگر دزدی کرده باشد و نه کسی را که آدم کشته باشد میکشند . فقط میبرند حبس میکنند که حبس هم خودش یک محل کیف کردن است و پروا رخانه است وقتی در میاید از حبس گردنش کلفت تر شده از بس چلو خورده بله نه حد زنا و نه سه چیزهای دیگر...

میفرماید خیال نکنید که با این کارهایی که میکنند خیلی ضرر و لطمه به خدا میزنند و لن یضروا الله شیئا نخیر بخدا اصلا ضرر نمیزنند . سلمان با عرض کرد یا رسول الله این چیزها میشو فرمود ببله قسم بآن کسی که جان من در دست اوست .

وعندها تظهر القینات والمعازف در آن موقع زنها ی آواز ه خوان پیدا میشو ندا سمش را میگذارند هنر پیشه و هر چه هم کسم دارند از آمریکا و فرانسه میاورند از زنها ی آواز ه خوان نور قاصه و همچنین معازف اسباب و آلات موسیقی است . تا روتن بور که قبلا هم بوده ولی آنچه اضافه شده را دیو تلویزیون و نظائر آن

است سر هر خانه‌ی تیر شیطان بلند است مسجد هم می‌بیند نماز  
 می‌خوانند هیئت هم خانه‌شان می‌برند عجل علی ظهورک هم  
 می‌گویند آخر با این چه بساطی است در آوردید یا زنگی  
 باشید یا رومی رومی خجالت بکشید اگر بخواید خود امام حسین  
 را دعوت کنید به این خانه می‌آید، بخود امام حسین قسم کسه  
 پایش را نمی‌گذارند توی این خانه حالا توهیئتش را می‌بری در  
 منزلت می‌گوید تشریف بیا ورید فلان جا مجلس خوبی است برای  
 خودت خوب است پس فرمود در آن موقع زنهای آواز خوان زنهای  
 موسیقی دان رقاصه ظاهر می‌شود از فلان جا که فلان زن رقاصه  
 می‌آید می‌روند استقبالش می‌کنند چند سال قبل یکی از رقاصه  
 های آمریکا آمده بود. ملت رفته بود توی فرودگاه برای  
 استقبالش شب را هم در فرودگاه جا انداخته بودند که فردا می‌خواهد  
 بیاید. خوب نتیجه ظهور این جور زنها اینک فرمود:

ویلسیهم اشرار امتی در آن موقع اشرار امت من برای اینها  
 تولیت پیدا میکنند حکومت پیدا میکنند هر چه جنس شری است  
 رئیس میشوند مدیر کل میشوند سلمان گفت یا رسول الله عجب  
 این چیزها میشود فرمود ببله قسم آن کسی که جان من در دست  
 اوست.

وعندها یحجاً غنیاء امتی للنزهة و یحجاً وسطها للتجارة و  
 یحج فقرا لهم للریاء والسمعه فرمود آن موقع چون کارها برای  
 خدا نیست آنها عیبه به حج می‌روند سسه دسته هستند سه

صنفتند. یکدسته پولدارها شون یک سفر رفته یک سفر دیگر هم برای تنزه برای تفریح و گردش نه برای زیارت و اهمیت حج دسته دوم واسط مردم هستند یعنی متوسط های مردم برای تجارت میروند حالا هر سال میروند حالا هر سال هم نشده با لایحه میروند جنس از آنجا بر میدارند میبرند آنجا میفروشند و از آنجا میآورند اینجا میفروشند تجارت و کاسبی میکنند اینها هم برای تجارتش میروند نه برای زیارت دسته سوم که مثل ماهاهستند اینها هم فقراشان هستند برای ریا و سمعه برای نمایش دادن و نشان دادن میروند. برای اینکه با و بگوئید حاج آقا خدای تو که کار نیست درست میگوید پیغمبرانها شیکه رفتند میدانند من چه بگویم همه اش فکرشان دنیا است.

مخصوصاً از وقتی که اوقاف آمده توی کار و فضولی میکنند در امور حج که با بداین طور باشد برنا مه غذا آنطور باشد و امثال اینها با تو چند روز میخواهی بروی حج دیگر این چیزها را میخواهد چه کند صبح کره و عسل ظهر فلان غذا باید باشد شب فلان، توکی میخواهی بفکر خدا باشی این مال انجاشان اینجا هم که میاید علامت ریا و سمعه هست آقا وارد شده از سر کوه تاد در خانه اش چراغانه میکند تو که نصف پولت قرض بوده این با زیها چیست.

بله چهار پنج تا گوسفند هم میکشند همه اش کشکی والکی که یک عدد آن مال خودش هست بقیه را قصاب را میگوید تو که میخواهی

گوسفندت را بکشی بیست تومان بگیر بیا پیش پای حاج آقا  
بکش با سم حاج آقا باشد برای چه این کارها را میکنند بـ  
نمایش بعد هم کاغذ پخش میکنند که الحمد لله بمناسبت برگشتن از  
مکه معظمه و شوق دیدار الخ با چند نفر از همسایه‌ها بیست را  
دعوت کن یک شام بده این تشریفات چیست آنوقت توقع دارند  
منم بروم آنجا . با برودن بال کارت دکانت را تخته کن تو  
می خواهی اینجوری کنی من چرا بیا می قاطی تو بشوم . تازه  
حالا هم که آمده از مکه آقا نگذاشته که اقلاً چند روزی مردم که با  
او معا نقه میکنند یک شکل مسلمانی داشته باشد تا از مکه بجده  
رسیده رفته توی جده صورتش را صاف و صوف کرده و آمده خوب مرده  
شورت به برد مکه رفتی آخر چند روزی صبر کن علامتی از مکه باشد  
فقط حاج آقا شده و بعد از این بالای پاکتش می نویسند حاج آقا  
پس این هم مال قسم سوم حاج آخر الزمان که فقرشان باشند .  
بعد فرمود : فعندها یكون اقواما "یتعلمون القرآن لغير  
الله ویتخذونه مزامیر . فرمود در آن موقع یک دسته اشخاص  
هستند که قرآن را یاد میگیرند هیئت دارند جلسه قرآن دارند اما  
قرآن نیست مزامیر و آواز است قرآن را برای آواز خوانسی و  
های های کردن یاد میگیرند بدلند گوهم میگذارند خیلی قشنگ  
میخواندولی برای غیر خدا است برای خودشان است مثل  
تصنیف حکم تصنیف را داردا این هم یک جور تصنیفی است .  
**ویکون اقواما یتفقون لغير الله ویکدسته مردمانی هم**



هم هستند در آن زمان که میروند فقه میخوانند درس علم درس دین  
اما برای غیر خدا برای گرفتن محضر رسمی برای محضر ازدواج  
و طلاق برای قاضی دادگستری شدن برای قاضی عسگریا وزیر  
شدن نه برای الله برای پول برای مال دنیا .

و تکثرا ولادا لزنای اولاد زنا هم زیاد میشود .

بله خوب معلوم است با این سروکله برهنه ها که بیرون  
میایند تو خیال میکنی اینها صاف و راسته میروند . نخیر با  
حالا هر مقدار که میتوانند کورتاج میکنند ولی بالاخره همه  
را نمیشود کورتاج کنند وقتی به دنیا آمدند چه کار میکنند .  
برای آنها هم درست کرده اند . کاری ندارند نقشه را قبلا کشیده اند  
بعد آنوقت هی پشت سر هم آزادی دادند . گفت متا ر دزدا ول فکر  
جایش میکنند بعد منا را میدزدند اینها هم اول جایش را درست  
کردند به اسم حمایت کودکان و مادران که از سی سال قبل من  
اینجا میدیدم تا بلوز دنداسمش را گذاشتند پرورشگاه خوب  
البته چهار پنج تا پدر مرده را هم میبرند آنجا ولی اصل قضیه  
برای آنها نیست اینها اکثرا " نه پدر دارند نه مادر لذا دختر -  
ها شان که بیرون میایند از پرورشگاه نه پدر میشناسند نه مادر  
پسرها شان هم همین جورند اینها هر کار بخواهند میکنند حالا  
زنا زیاد میشود آنهم نتیجه اش میباشد .

ویتها فتون بال دنیا توی دنیا میافتند این از چنگ او

میخواهد در آورد و آن از چنگ این سلمان گفت یا رسول الله

عجب این چیزها میشود فرمود بلبه آن کسی که جان من در دست  
 او است ای سلمان در آن هنگام .

ذاک اذا انتهکت المحارم واکتسبت المأثم وتسلط الاشرار  
 علی الاخیار ویفشوا الکذب وتظہر اللجاجہ . در آن هنگام هتک  
 محارم خدا میشود کسی اعتراض نمیکند که حرام مانجام میدهی و بهر  
 اسمی و معصیتی کسب و کار میشود کسب و کارشان از راه معصیت  
 است .

و اشرار بر اخیار مسلط میشوند مردمان شرور بر مردمان  
 خوب سلطه پیدا میکنند . دروغ هم زیاد میشود و رواج دارد کاسب  
 دروغ میگوید تا جر دروغ میگوید اداری دروغ میگوید روزنامه‌ها  
 که همه اش دروغ است .

وتظہر اللجاجۃ عجب حرفی در آن موقع پیغمبر زده میفرماید  
 لجاجت ظاہر میشود مثلاً آقا با هم دیگر اگر یک خورده حساب  
 پیدا میکنند میافتند توی دنده لجاجت این بکش و آن بکش هر چه  
 میگوئی با با آخر قضاوتی حکم شرعی آخر به کی قائلید شما  
 فایده ندارد این میخواهد تو سر آن بزندان هم توی سر این  
 خان‌شان به لج هم زندگیشان به لج هم کارشان به لج هم  
 مراعاتشان به لج هم این پول میدهد وکیل میگیرد آنهم پول  
 میدهد وکیل میگیرد میگوئی با با این قدر به این وکیل‌ها پول  
 نده بخورند میگویند جهنم بگذار بخورند من باید این یارو را به  
 خاک سیاه بنشانم آن دیگری هم همین را میگوید همه اش لجاجت

است حالا اگر نگاه می کنی شماها آرا موبی صدا هستی دگوسا لسه بسته ملا هستی وقتش برسد معلوم میشود .

ملا گوسا لسه بسته را میزد بخاطر اینکه گوسا له دیگرش فرار کرده بود گفتند چرا این بسته را میزنی به این چه مربوطه گفت اینرا اگر ولش کنیم از آن بدتر است حالا جان من اگر اینطور نیستی خیال نکن هنوز امتحان پس ندادی من دارم می بینم همین مسجدی ها هم برادرها با هم لجند این کش میدهد آن کش میدهد هر چه میخواهی صلحشان بدهی نمیشود یا دادا ما دو برادر زن یا دوتا شریک با هم میبینی خیلی خوب بودند ولی حالا افتادند توی دنده لج بیا و ببین چه کار میکنند این هم یکی از مسائل مشکل است واقعا " که لجاجت پیدا شده .

وتفشوا لفاقه ویتبا هون فی اللباس فاقه بمعنی فلاکت و بدبختی است که سرا پای این ملت را گرفته همین که میگوئیم مملکت چنین است و چنان است معنی فاقه همین است ما همه چیز میخواهیم که با اینجا کشیده والا اگر نخواهیم فلاکتی نیست . ویتبا هون فی اللباس مردم به یکدیگر به لباس مباحات میکنند و فخر میفروشند ، فضل و فخری که ندارند به هم دیدگر نشان دهند . فخرشان همه اش به لباس است من لباسم آنقدر قیمتش هست کجا دادم دوختند چیز دیگری ندارم مثلاً چه مفاخری دارد که بخواد مفاخرشان دهد مجبورند به لباس فخر کنند . ویمطرون فی غیراوان المطردران موقع خدا هم با آنها

آن طوری رفتار میکنند باران میدهد اما در غیر زمان باران  
موقعی که وقت باران است هر چه چشم میکشیم باران نمیاید آقا  
ختم من یجیب میگیرد باران نمیاید حالا که احتیاج ندارم  
سرخرم است هی باران میاید با خرمنهای مردم را آب برد  
حالا باران میخواهیم چه کنیم میخواستی دو ماه جلوتر این باران  
را بدهی .

ويستحسنون الكوبه والمعازف ميرونند خوب ياد ميگيرند  
آلات موسيقي ورقص را تعليمات موسيقي ميگيرند .

وينكرون الامر بالمعروف والنهي عن المنكر منكر امر به  
معروف ونهي از منكر ميشوند اگر کسی بخواهد امر به معروف  
بکند یا نهی از منکر کند انکارش میکنند میگویند یا چه کار  
داری مملکت فلان است به ما چه مربوط است .

حتى يكون الموء من في ذالك الزمان اذل من في الامه  
امر به معروف ونهي از منكر برداشته میشود و از بين ميرود به  
طوری که موء من در آن زمان از همه مردم ذلیل تر است توستری  
خورده تر و سربا ئین تر است راستی هم همینطور است ، بهائیه ها  
که با یدگردنشان از دایک موء من عزیزترند تو این مملکت .

ويظهر قرائتهم وعبادتهم في ما بينهم التلاوم قاريهات  
قرآنشان وعبادشان هم ديگر را ملامت و بدی میکنند .

فواللثك يدعون في ملكوت السماوات الارجاس الانجاس  
مردم این زمان آن قاریشان آن هم عبادشان آنهم کاسیشان

آنهم حج گذارشان در این زمان این اشخاص در ملکوت آسمانها  
 نامیده میشوند ارجاس اتجاس باین اسم نامیده میشوند با اسم  
 پلیدونجس . سلمان گفت یا رسول الله این جور چیزها میشود  
 فرمود بله قسم بآن کسی که جان من در دست اوست .

فعندها لایخی الغنی علی الفقیر در آن موقع پول دار  
 شفقت و ترحم بر فقیرنداردهمه اش فکر اینست که ساختما نشا ترا  
 زیبا کند حتی ان السائل انقدر بی اعتنا هستند تا اینکه سائل  
 و فقیر حالا بآن جاها نکشیده شاید بعضی جاها شده باشد در بعضی  
 ممالک اسلامی ولی بطور کلی نشده که فقیر از این جمعه تا جمعه  
 دیگری داد بزند و در هم هم کسی در دستش نگذارد این قدر بی  
 رحمی زیاد میشود ، سلمان گفت یا رسول الله مگر این جورها  
 میشود باین اندازه بی رحم فرمود بله قسم بآن کسی که جان من  
 در دست اوست .

فعندها یتکلم الروبیضه در آن موقع سخنگویان روبیضه  
 میشوند سلمان گفت پدر او ما درم فدایت روبیضه کیا نند فرمود  
 یتکلم فی المرالعامه من لم یکن یتکلم روبیضه آدم های بی سرو  
 پا آدم های بی ارزش و بی قیمت که قابل سخن گوئی نیستند  
 اینها در امور عامه مردم حرف میزنند و دخالت میکنند .

آقا نماینده مجلس شورای ملی میشود یا نظاثر آن و نطق  
 میکنند سخن سرائی میکنند وقتی اینطور شد و با اینجا کشید  
 فرمود .

فلم یلبسوا الاقلیلا این نحوه که شد خیلی طول نمیکشد و درنگ  
 نمیکند مگر کمی یعنی فاصلهئی نمیشود که حتی تخورا الارض هورا"  
 زمین تکان خواهد خورد یک تکان خوردنی که هر کس خیال میکند  
 که این تکان درنا حیه او شده معلوم میشود عمو میست حالا این  
 تکان یا زلزله است یا جنبشی بخودش میدهد با لخره وضع این  
 جوری میشود که بلائی میاید که هر کس خیال میکند بطرف او است  
 این اوضاعی است که پیغمبر در آن وقت و زمان گفته و خیلی از  
 آنها در زمان ما محقق شده است و نزدیکی علامتهای اثر ساعت  
 ظهور را میسراند فقد جاء اشراطها ۱۳۵۳/۴/۲۹ .



## بسم الله الرحمن الرحيم

بحث با منکرین امام زمان از سائرفرق اسلامی

ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر اننا الارض يرثها عبادي  
الصالحون ان في هذا بلاغا" لقوم عابدين . وما ارسلناك الا  
رحمه للعالمين .

دیشب گفتم که دلیل عقلی در برابر مخالفین ما نسبت به  
امام زمان علیه السلام کسا نیکه مخالف هستند با اینکه مسلمان  
هستند اینست که همه میدانیم دین اسلام جامع و کامل و ابدی است  
و عقل زیر بار نمی رود که با این فساد و ظلم عمومی که در همه جا  
هست و مردم دارند و به فساد میروند و بسرعت پیش میروند فساد  
مذالک تا قیامت به همین جور باشد این دین اسلام نیست  
که ما داریم دین تکه پاره شده و از بین رفته است ، اگر کسی  
بخواهد وارد دین اسلام شود و اسلام را بپذیرد متحیر و سرگردان  
میمانند که کجا برود کدام دسته و کدام فرقه هر کدام میگوید حق  
حق با ماست دیگری باطل است اسلامی نمانده تا اینکه تاقیامت

باقی باشد آیا اسلامیکه پیغمبر آورده و تاقیامت باید بماند  
منظورش همین مقدارش بود و آیا همین معنی جامع بودن و کامل  
بودن اسلام است .

حالا گذشته از فساد و فتنه ها و فجور و ظلم ها که روز بروز به  
تزايد است . پس بنا به حکم عقل الان وقتی است که دین اسلام  
از بین رفته است مانند دین موسی که تا زمان عیسی از بین  
رفت عیسی آمد تجدید کرد و دین عیسی تا زمان پیغمبر از بین  
رفت پیغمبر آمد تجدید کرد و چاره از این نیست یا باید پیغمبری  
دوباره بفرستد برای مردم تا درست شود و این هم که نمیشود چون  
خاتم پیغمبران است و یا یک کسی که مجدد باشد و تجدید کند این  
دین را و عقلا غیر از این نمیشود .

اگر دین اینست که الان چیزی نیست نه احکامش عملی  
میشود توی این مملکت نه قانونهایش عملی میشود یکی یکی از  
قانونها و احکامش برداشتنند و عوض کردند اگر سابق چهارتا  
روزه خورد در یک شهر پیدا میشد حالا چهارتا روزه بگیر پیدا کن  
انهم اگر روزه میخورد میرفت توی خانه اش میخورد نه اینجور  
علنی تو خیابان توی ادارات سابقا " اگر دو تا بی نماز پیدا  
میشد آنهم نحوه ای که صدایش در نمی آمد ولی حالا میگوید نماز  
چیه قبلا اگر یک الواط پیدا میشد انگشت نما بود ولی حالا سر  
هر کوجه ایستادند از الواط و دزد و چاقوکش و هر و ثینی پس همه  
رفتند یک مقدار کمی شان هم که مانده که ده یک باشد آنها هم

معلوم نیست چه مقدار پابند است چون این یک مقداری هم که هست خوب که براندازگنی نسبت به لا ابالیها و سینمائیها و نظائر آنها دین است ولی نسبت به آنکه پیغمبر آورده دین نیست انکس که اهل اطلاع از دین است و سنت پیغمبر را میداند وقتی اینها را با آن مقایسه میکنند می بینند که همان ده یک هم دین درستی ندارند بلکه دینشان مخلوط با لاهو و لعب است و مصداق این آیه هستند الذین اتخذوا دینهم لهما ولعبا و عرثهم لحيوة الدنيا کسانی هستند که دین را بازیچه خود قرار دادند لاهو چیزهای بی فایده و بی نتیجه و بی اثر و بی خاصیت را میگویند دین را با لاهو قاطی کردند هیئت دار دقارقا ربلندگورا انقدر بلند کرده که مردم آزاری میکنند خوب میخواهی قرآن بخوانی بخوان سرو صدا راه اندازی چرا تا نصف شب حسن حسین انهم پشت بلندگوبا این که دین درست نمیشود.

آن دیگری پشت بلندگونما زمیخواند سمع الله لمن حمده شش نفر هم پشت سرش بیشتر نیست این بازیها چیه اینها مسخره است آن دیگری ضبط صوت میگذارد از آن روزها بلندگو و رادیو و تلویزیون را میگفتیم حالا دیگر ضبط صوت بیشتر از آنها شده اسمش هست بخوا طردین است منبر فلانی است تو اگر منبر میخواهی پا شو برو مسجد پهلوتی این چه دینی است که همه اش میخواهند با آواز و لعل و لعب باشد مجلس قرائت قرآن است همه اش های ها دلای دلای یا اینکه خوب با با میخواهی سینه بزنی بزنی دیگر

این علم‌شنگه‌ها چیه یک چیزی است که یک نفر باید روی سر بردارد و تا بش دهند سرش را هم همچی کند و سلام به همدیگر بدهند و عکس شیروا زدها و غیره در او با شد خوب با با مجسمه در اسلام حرام است اما برای ما حسین عیب ندارد؟ همه اش لهواست بعضی جاها ایا م عا شورا که میشود در مساجد چیزهای آویزان میکنند مثل تبرزین و کشکول و شاخ فلان آنوقت خا رچی‌ها بما میگویند مردم ایران اهل خرافات اند خیال میکنند که همین خرافات از اسلام است . چون اسمش را دین گذاشتیم نمیدانند که آن خوندها هر چه یخه پا ره کردند و داد و بیداد کردند حرف‌ها یشان بجای نرسید یا چراغانی میکنند برای تولد ائمه همه اش موسیقی میزند کف میزنند اما زمان کف میخواد چه کند پس اینها که حالا بنام دین است دین نیست واقعا " لهب و لعب است که آیه میگوید چنان به زندگی دنیا فریفته و مغرور هستند اینها نیکه اهل دین هستند امتیازی ندارند با بی دینها فقط همین یک کله‌ئی خم و راست میکنند و نمازی میخوانند و الا در باقی همه اش لهو و لعب و با دیگران فرقی ندارند در خوراک و نه در پوشاک و نه در زندگی .

خداوند فرمود به یکی از پیغمبران به بنی اسرائیل بگو  
 لَاتَأْكُلُوا مَأْكُلَ اَعْدَائِي وَلَا تَشْرَبُوا مَشَارِبَ اَعْدَائِي وَلَا تَلْبَسُوا  
 مَلَابِسَ اَعْدَائِي فَاِنَّكُمْ اَعْدَائِي كَمَا هُمْ اَعْدَائِي ، به مردم بگو مثل  
 مثل دشمنان من چیز نخورند . ما که دیگر الحمد لله مسلمانها-

یمان هیچ فرقی با آنها ندارند تا میگوئی فلان کار را نکن میگوید  
 آقا اینکها شکالی ندارد اول با قاشق و چنگال گفتیم با سا  
 دستورا است دستترا بشور غذا بخورثواب دارد پیغمبر گفته سنت  
 است قبل از غذا و بعد از غذا انسان دستترا بشورد آقا قاشق  
 چنگال چه اشکال دارد خوب آن آمد گفتیم میز و مبل که میبینی  
 غذا نخور بنشین زمین در حدیث است فا خلعوا نعالکم کفش ها -  
 یتان را در بیاورید روی زمین بنشینید میگوید چه کارش  
 داری چه شکالی دارد خیلی خوب بعد از آنجا رسید تا حالا که  
 مثل حیوانها دور میزنند دور میز و غذا میخورند هر غلطی که  
 اروپائیها میکنند اینها هم میکنند پیغمبر به اینها بگو مثل  
 دشمنان من چیز نخورند مثل اینها چیز نیا شا مند آشا میدنیها -  
 یشان مثل آشا میدنی های آنها نباشد لباسها یشان مانند  
 لباسهای آنها نباشد ولی ما مواظب هستیم مخصوصا " برج آخر  
 سال خراب شده که میشود به بینیم چه مدی آمده از اروپا تا برای  
 نوروز درست کنند مشکلان هم مثل آنها است ای پیغمبر بگو  
 با آنها که در این صورت شما هم دشمنان من خواهید بود ما ننند آنکه  
 آنها دشمن من هستند .

خوب حالا هی بگو چه شکالی دارد، برای دانه دانه هر  
 کدامیک معجزه با ید آورد تا آقا قبول کند . معلوم هم نیست  
 قبول کند ، پیغمبر اینقدر معجزه آورد مگر ابوجهل ها قبول  
 کردند فایده ندارد عموی پوی کارت یکی دوتا نیستند که آدم

بنشینند با آنها حرف بزند .

خلاصه آنکس هم که دین دارد دین لهو و لعبی دارد بعضی حالا همین دین پیغمبر با یدهمینطور با شدتاً روز قیامت که هر روز هم خرابیش زیاده تر میشود و از شکلش بیرون میاید بفاصله پنججاه سال اینهمه تغییر کرده هر چه بما ند معلوم است بیشتر میشود پنججاه سال دیگر چه خواهد شد .

پنججاه سال قبل ها سراز قبر در آورده اند ما را مسلمان نمیدانند پنججاه سال دیگر هم که ما ها سراز قبر در آورده ایم گفت اینها چه هستند بشکل میمون بفرم حیوانات هستند ، عجب دینی آورده پیغمبر ، خدا عجب لطف و رحمتی کرده به ملتش دینشش راداده دست اینها اینجوری کنند هر چند سال یکمقدار از دینش از بین برود چنین نیست :

عقل حکم میکند که این نمیشود پس باید مجددی بیاید که دو مرتبه دین را بحال اول برگرداند و آن مجدداً ما میگوئیم امام زمان صاحب الامر ولی عصر .

این از نظر عقل و از نظر قرآن هم دو آیه کافیست در اثبات یکی را دیشب گفتم آیه دوم هم در سوره انبیاء است میگوید ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ما نوشتیم در زبور داود چیزی که بعد نوشتن رسید برگشت ندارد و وعده هائی است که خلف ندارد خدا حرفش غیر از ماست ما یبدل القول لدی گفته من تغییر ندارد مثل ما مردم مردم نیست که صد حرفمان هم بی ارزش است



و عده‌هایی که کردخلاف ندا رد مثل کتابت ما نیست می‌رود سند  
 مینویسد قولنا مه می‌کند اضا می‌کند با زهم می‌زند زیرش، می‌بیند  
 دوسه هزار تومان فرق معامله است با زی درمیا وردا این دلالتها  
 هم برای چهار می‌بخ کردن دو طرف معامله که هر کدام زیرش زد سر  
 آن دلال بی کلاه نبا شد قولنا مه درست کردند اضا می‌گیرند  
 این بازیها را به مردم یاد دادند مردم با زجور دیگری بازی در  
 می‌آورند همه شان هم اهل هیئت اهل دین هستند تا نصف شب هم  
 پشت بلندگوقارقا می‌کنند مردم آزاری می‌کنند به اسم دین به  
 اسم ما حسین خلاصه اینکه نوشته خدا برگشت ندا رد می‌گوید ما  
 نوشته ایم در زبوردا و بعد از ذکر حکیم حالا یک کتابی است بنام  
 ذکر حکیم مثل لوح محفوظ یا قرآن است هر چه هست در ذکر حکیم  
 نوشته ایم. **انَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ** .

زمین را به وراثت خواهند گرفت بندگان صالح ما مقرر  
 کرده که باید زمین بیفتد دست بندگان صالح، بلکه چندتا ممالک  
 اسلامی و چندکشور اسلامی کدام یکی صالحند اگر ما خدا همین  
 است که الان است همین چندکشور اسلامی و همین اسلام و همین مردم  
 صالحند پس فاسدها ایشان کدامند پس این گفته خدا تحقق نکرده  
 کی تحقق خواهد کرد حالا ما می‌گوئیم بوبکر و عمرو و عثمان شما  
 هم خوب معاویه و نه نجیب هم خوب خال الموء منین است دیگریزید  
 را که نمیشود گفت خوب است یعنی مگر غزالی بی غیرت سگ  
 صوفی باشد که می‌گوید زید خوب است والا کس دیگر نگفته او گفته

یزید هم خوبست مجتهد بوده اشتباه کرده اجتهادش بخطا رفت—  
 با یید در نماز شب در دعای وتر یزید را دعا کرد این هم از مجتهد  
 صوفی که غزالی باشد اجتهادشان هم این طوری است باقی  
 صوفی‌ها که دیگر آدم نیستند خوب وقتی یزید خوب باشد که دیگر  
 حقا هیچ‌کدام به یزید نمی‌رسند پس مسلم بقیه نسبت به یزید—  
 عبادی الصالحون هستند پس ما بفرض محال که از صدر اسلام تا  
 یزید را خوب بدانیم که مسلم صالح نیست پس این آیه چه می‌گوید  
 که زمین باریک‌بندگان صالح ما می‌رسد ما نندسخن موسی به بنی  
 اسرائیل که وقتی تظلم کردند از دست فرعون و فرعون گفت  
 سنقتل ابنائهم ونستحیی نسا ئهم وانا فوقهم قاهرین اعلام  
 خطر کرد گفت ما بچه‌های اینها را خواهیم کشت زنها را هم اسیر  
 میکنیم بنی اسرائیل ترسشون گرفت و همه کردند آخر فرعون نه  
 این جواری هزار ساله‌مانی داشت معلوم نیست .  
 بیچاره‌ها بنی اسرائیلی‌ها وقتی این کلام را از فرعون  
 شنیدند رنگ از آنها پرید .

به موسی گفتند این چه کاری بود کردی آمدی کاشکی  
 نیا مده بودی هی گفتیم عجل علی ظهورک عجل علی ظهورک تو  
 آمدی چه روزگار برای ما آوردی گفتند و ذینا من قبل ان تأتینا  
 ومن بعد ما جئتنا پیش از آمدنت ما اذیت کشیدیم بخاطر تو  
 فرعونیه‌ها را اذیت کردند و زجر دادند حالا هم که آمدی باید  
 اذیت بکشیم موسی در جواب فرمود :

یا قوم استعینوا باللّٰه واهبوا ان الارض للّٰه یورثها من  
 یشاء و العاقبة للمتقین گفت با چه قدر کم حوصله هستید صبر  
 کنید مدد و کمک و استعانت از خدا بخواهید زمین مال فرعون و  
 مال این بی غیرت ها نیست مال خدا است آخرش به وراثت  
 میدهد و را به هر بنده‌ئی که بخواهد نگاه به روزگار خوش فعلی  
 اینها نکنید عاقبت و آخر کار را ببینید که مال متقین است .

حالا نظیر این را که موسی به بنی اسرائیل گفت خداوند  
 به پیغمبر میگوید که قرار داد نوشتنی است نه حرفی و زبانی گر  
 چه حرفی و زبانی خدا هم کافی است .

در آخر آیه میفرماید ان فی هذا لبلاغاً "لقوم عابدین در  
 این گفته ما ابلاغ است برای کسانی که اهل عبادتند بندگان  
 عابد ما یعنی این سخن را بعد از اینکه نوشته ایم ابلاغ هم  
 کرده ایم ابلاغیّه ما در کردیم برای بندگان عابد ما .

پس گفتیم بفرض که ابوبکر و عمرو و عثمان و معاویه را هم  
 خوب بداند نیم با همه شرارتها خوب از یزید به بعد که ما ندیدیم کجا  
 بوده است دست بندگان خدا کی شده پس هنوز که نشده این وعده  
 خدائی .

ما میپرسیم از مخالفین خودمان از سائر فرق اسلامی که  
 منکر ما مزمان هستند که آیا این وعده خدائی خواهد شد یا نخواهد  
 شد اگر نخواهد شد پس قرآن را جمع کنید دروغ گفته و این ممکن  
 نیست چون تکذیب قرآن است .

واگر خواهد شد پس همان چیزی است که شیعه میگوید شیعه چیز دیگر نمیگوید. هی میگوئی اما مچیه اما مزمان چیه همین است که شیعه میگوید یک زمانی خواهد آمد و شخصی را خدا بر خواهد انگیخت که او با قوه غیب قیام بسیف کند و دیگر مثل من نیست که بیا بد فقط بگوید و تو هم بگوئی کجا نوشته کی گفته من قبول ندارم، این حرفها نیست همچنانکه خداوند یک مرتبه نه صد هزار را غرق کرد بیک ساعت اما مزمان هم مثل خدا میزند و میروند پس تا ابد این جور نخواهد بود که از دین چیزی نباشد روی خواهد آمد طبق وعده خدا حالا بدست که جاری خواهد شد هر طور میخواهی حساب کن بدست هر کس یاری شد باین نحوه همان امامی است که شیعه میگوید پس این آیه کافی است برای استدلال بر مقصد.

دنباله آیه خیلی عجیب است میگوید وما ارسلناك الا رحمة للعالمین میگوئیم به مخالفین خود که این قسمت آیه چه میگوید خدا میگوید تو را رحمت برای همه اهل عالم فرستادیم. اینک تا حالا رحمتی برای همه عالم نرسیده.

حالا همین نا مسلمانها شیرا هم که تو اسمش را میگذاری مسلمان در تمام کشور های اسلامی گله برهنه ها هم مسلمان صوفی ها را هم مسلمان فرض میکنیم سینمائی ها قمار باها و و و همه را هم که مسلمان فرض کنیم حتی رقاصها با زهمه اهل عالم گفته نمیشود تمام آنچه میگویند مسلمان، یکدهم روی گره است

پس باقی‌اش چیست رحمت برای همه‌اهل عالم نیست .

پس با دیدیک روزی باشد که این رحمت برای همه‌اهل عالم  
 باشد و هنوز چنان روزی درتاریخ نشده و با دید بشود تا آیه صدق کند  
 همه زمین را پاک خواهد کرد از هر لوث و شرک و کفر و نفاق و ظلم  
 و جور بطوری که از مشرق تا مغرب جز لا اله الا الله و محمد رسول  
 الله چیز دیگری و دین دیگری نخواهد بود خوک هم روی زمین  
 وجود نخواهد داشت، چه رسد به خنزیرهای آدمی وقتی دین چنین شد  
 آیه درست میشود و تطبیق میکند آیه پس میگوید ما ترا رحمت  
 برای همه‌اهل عالم فرستادیم نه فقط برای چندتا مملکت چند  
 تا کشور که هر چند واجب را یک کشور کرده اند این میگوید کشور من  
 آن میگوید کشور من پس این دلیل عقلی و نقلی برای مخالفان  
**مسلمان** مادر باره لزوم آمدن امام زمان .